

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و سوم ۹۹ / ۰۳ / ۲۰

**موضوع:** پاسخهای اساسی، به یاوه گوئی های «عابدینی»!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

ما در این چند روز بعضی از شبهاتی که جدیداً مطرح شده بود را جواب دادیم. یکی از موضوعاتی که مخصوصاً در ماه رمضان اوج گرفت و سر و صدا هم ایجاد کرد، شبهه پیرامون دعای «الهی عظم البلاء» و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) بود.

ما اینها را به صورت مقاله‌ای نوشتیم که امیدواریم ان شاء الله امروز و فردا روی سایت قرار بگیرد. من شبهات را مطرح می‌کنم و عرض می‌کنم که در مواجهه این شبهات، ما چطوری جواب بدهیم و جوابها چطور دسته بندی بشود؛ این خیلی مهم است.

شاید به ذهن بزرگواران، بعضی از جوابها بیاید؛ ولی مهم این است که این جوابها يك مقداری دسته بندی بشود و ببینیم به چه کیفیتی است.

آقای «عابدینی» مرتب می‌گوید: "در دعای «الهی عظم البلاء» و یا در عبارت «یا محمد یا علی» یا عبارت «یا مولانا یا صاحب الزمان» شرك وجود دارد!!"

در يك جا می‌گوید: "عبارت «انت المستعان» با بقیه دعا ناسازگار است." این مطلب را در خاطرات حج، قسمت ده می‌گوید.

ایشان در خاطرات حج قسمت ۳۰ می‌نویسد: "در این دعا کلمات شرك آلود قرار داده شده است" این نهایت وقاحت آقای «عابدینی» است که «یا محمد و یا علی» را شرك تلقی می‌کند.

حالا آیا ایشان «السلام عليك ايها النبي ورحمة الله» را در نماز می‌گویند یا نمی‌گویند؟ «السلام عليك ايها النبي» معنای «ایها» یعنی چه؟ سلام بر تو یا رسول الله! آیا این رسول الله گفتن شرك است؟ یا نه، طلب رحمت کردن از آنها شرك است؟

بعد می‌گویند: "توسط برخی جاهلان در آن جعل شده و با قبل و بعد همین دعا که توحیدی است نمی‌سازد" در ادامه می‌گویند: "با عقاید شیعه نمی‌سازد؛ ولی با جهالت چه می‌شود کرد! جاهلان همین قسمت را بلند و با هم متحدا می‌خوانند." این از خاطرات حج قسمت دهم این آقا است.

در آن استفتاء که از مراجع کرده بودند و حدود ده پانزده مورد از حرف‌های کفر آمیز ایشان را نوشته بودند، ایشان می‌گفت: "به من بهتان زدند" و من برای این که نگویید بهتان زدند، عینا تصویر کانالش را آوردم.

کانالش این است: «احمد عابدینی باز اندیشی دینی» البته اگر تخریب دینی بگوییم بهتر است تا باز اندیشی دینی بگوییم! باز تخریب دینی، خاطرات حج قسمت ۳۰ که دارد "با عقاید شیعه نمی‌سازد"، "کلمات شرك آلود قرار داده شده."

جالب این است که ایشان می‌گویند: "«الهی عظم البلاء» سندش ضعیف است احتمال می‌دهیم اصلش درست بوده."

یعنی ایشان از الفبای رجال هم خبر ندارد، "اصلش درست بوده"، یعنی سند داشته. مگر می‌شود يك روایتی را بگوییم اصلش درست است و سندش ضعیف است!؟

این هم خاطرات حج قسمت چهل و سه و این هم خاطرات حج ایشان، قسمت شصت و سه. من این‌ها را دسته بندی کردم.

دارد که: "یا محمد یا علی" با بقیه دعا ناسازگار است، «یا محمد و یا علی» کلمات شرك آلود است. «یا محمد و یا علی» با عقاید شیعه نمی‌سازد. جاهلان همین قسمت را بلند و با هم متحد می‌خوانند. با جهالت چه می‌شود کرد!"

یا می‌گوید: "در طواف شعار امام زمانی می‌دهند، «یا علی» می‌گویند که براحتی همه مسلمان‌ها ما را مشرك بدانند."

ایشان غافل است از اینکه شما در آن‌جا اصلاً بگویید و یا نگویید، آن‌ها صدها، بلکه هزاران فتوا بر شرك شیعیان داده‌اند.

باز نوشته است که "حدیث کساء بر جهالت مردم می‌افزاید." "زیارت عاشورا در غیر روز عاشورا نباید خوانده شود" و "الهی عظم البلاء" سندش ضعیف است. غالیان عبارت «یا محمد و یا علی» را در آن افزوده‌اند."

ایشان در این ماه رمضان يك حرف‌هایی آورد که واقعا آدم خجالت می‌کشد اصلاً مطرح کند. من بخشی از این‌ها را جواب دادم؛ ایشان در «آداب دعا قسمت هیجدهم» و در «آداب دعا قسمت بیست و یکم» حرف‌هایی دارد، من این‌ها را دسته بندی کردم و فقط دسته بندی‌ها را می‌خوانم.

"درخواست لیوان آب از مرده عاقلانه نیست." حالا من نمی‌دانم چه کسی بوده کنار قبر رفته و تشنه بوده از يك مرده درخواست کرده و گفته يك لیوان آب به من بده بخورم.

"شهیدان زنده‌اند، مراد این نیست که در خیابان‌ها راه می‌روند، یا در سنگرها نگهبانی می‌کنند"، "بچه‌ها و خانواده امام حسین از بدن تکه تکه حضرت عباس (علیه السلام) آب نمی‌خواستند." ببینید این مسخره کردن عقاید شیعه است!!

"کسی از حضرت عباس بعد از شهادت آب نمی‌خواهد، جایز نیست که از او بخواهد با طی الارض به شام برود و یزید را خفه کند، خانواده امام حسین بعد از شهادت از او نخواستند آن لشکر را با غضبی از بین برود، یا با طی الارض به شام برود و کاخ یزید را ویران کند، ائمه قبل از شهادت قدرتی نداشتند، آیا بعد از چندین سال با ساختن گنبد و بارگاه و زائر قدرت پیدا می‌کنند!؟"

"شخصی از دنیا رفته چه شهید و چه غیر شهید هیچ توان جسمی و روحی بالاتر از توان دوران زندگی‌شان را ندارند" یعنی اصلا این عبارات ایشان در حقیقت انکار دهها آیات قرآن است.

"از نظر عقلی و عقلایی جواب تمام این‌ها منفی است، عوام مرادشان از بردن نام امام، همان خدا است!؛ یعنی اگر کسی می‌گوید یا حسین مرادش یا الله است. حالا من نمی‌دانم ایشان در دوران عوامی خودش این‌طور بوده یا خدای نکرده پدر و مادرشان این‌طوری بودند و ایشان بقیه را هم قیاس کرده!؟ ما تا به حال نشنیدیم هیچ عوامی بگوید من که یا امام رضا و یا امام حسین می‌گویم مرادم خدا است.

یا نوشته است که "وجاهلانه خدا و امام را یکی می‌دانند، عوام، خدا را مانند شاه می‌دانند، امام، مانند وزیر دربار است. چون شاه وقت ندارد به همه کارها رسیدگی کند، وزیر آن‌ها را دسته بندی می‌کند و به سمع نظر شاه می‌رساند."

این حرفها در حقیقت استهزاء عقاید شیعه است و واقعا بوی ارتداد و کفر از این عبارت می‌آید. ایشان می‌نویسد: "عوام امام را واسطه‌ای می‌داند که کلام آنان را به خدا برساند" بابا این آیه قرآن است که می‌گوید:

## (وَإِنْتَعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید!

سوره مائده (۵) آیه ۳۵

می‌گوید: "برخی شفاعت و توسل را به همین معنا می‌دانند" بعد دارد: "مگر محمد و علی کافی نبودند، یاری کننده نبودند که امام زمان را هم صدا می‌کنند." در دعای «الهی عظم البلاء» می‌گوییم «يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، اَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِي»، بعد می‌گوییم: «يَا مَوْلَايَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ادرکنا!» ایشان این را می‌گویند.

ایشان آمده می‌گویند: مگر محمد و علی مثلا کفایت نکردند، که از امام زمان هم کمک می‌خواهیم. شما در دعای جوشن کبیر، هزار نام خدا را می‌خوانید، پس باید بگوئیم نام اول کافی نیست که نام‌های بعدی را می‌خوانید. این را دوستان دقت کنند، من نمی‌دانم «حوزه علمیه اصفهان» و «نجف آباد» خواب هستند و یا خودشان را به خواب زدند، از این‌ها خبر دارند یا خبر ندارند. به قول شاعر که می‌گوید:

فإن كنت تدري فتلك مصيبة / وإن كنت لا تدري فالمصيبة أعظم

ایشان می‌گویند "چگونه امام زمان به فریاد دیگران برسد در حالی که خودش برای حفظ جان‌ش غایب شده است." مثل این که ما بگوییم حضرت عیسی (علی نبینا واله و علیه السلام) چگونه مرده زنده می‌کرده ولی وقتی که یهود آمدند او را بکشند خدا او را به آسمان‌ها برد!!

"یا بیاییم بگوییم مثلا اگر امام زمان ظاهر شود او را می‌کشند؛ پس او به فریاد خودش نمی‌تواند برسد چگونه به فریاد دیگران برسد." مثلا بگوئیم حضرت عیسی مرده زنده می‌کند، بگوییم اگر مرده زنده می‌کند چرا مادرش را که از دنیا رفت، زنده نکرد یا افراد دیگری از منسوبینش را، خاله‌اش را، دایه‌اش را و... را زنده نکرد؟!

"پیامبر در طایف در حمله بچه‌ها با سنگ نتوانست خودش را کفایت کند؛ پس از رحلتش چگونه سنگ خوردن‌های ما را کفایت می‌کند؟ پیامبر در جنگ احد زخمی شد و دندانش شکست، او چگونه پس از رفتن از دنیا، قدرتش زیاد شده است!؟"

این‌ها نمونه‌هایی از یاهو سرایی‌های این آدم خبیث و پست و رذل است؛ ما آن آیه شریفه‌ای که خدا در سوره جمعه در رابطه با علمای یهود می‌گوید، ما می‌ترسیم به علمای یهود توهین بشود که درباره ایشان به کار ببریم. فرمود:

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می‌کند، (آن را بر دوش می‌کشد اما چیزی از آن نمی‌فهمد)! گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدي دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند!

سوره جمعه (۶۲): آیه ۵

یا آیه‌ای که درباره «بلعم باعورا» است تصور می‌کنیم اگر او را بگوییم به «بلعم باعورا» توهین بشود، که آن هزار برابر نسبت به ایشان شرافت دارد. فرمود:

(إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا)

آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراهترند!

سوره فرقان (۲۵): ۴۴

من نوشتم: آقای «عابدینی»! «حضرت امام خمینی» (قدس الله نفسه) که به خاطر يك گوینده صدا و سیما که گفته بود الگوی ما باید امروز خانم «اوشین» باشد، گوینده و مسؤولین صدا و سیما را آنچنان گوشمالی کرد که تا ابد در تاریخ رسانه ثبت شد.

حضرت امام با يك فتوا، «سلمان رشدی» را به خاطر مطالب یاهواش برای همیشه بیچاره کرد و هرگونه آسایش و آرامش را از او سلب کرد.

نسبت به «آیت الله قدیری» که خود امام، شهادت بر اجتهادش داده بود، به خاطر برداشت نادرست ایشان، امام طی نامه‌ای نوشتند: "از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف می‌کنم، از جنابعالی توقع نبود که این‌گونه برداشت کرده و آن را به اسلام نسبت دهید، شما را نصیحت پدرانه می‌کنم که سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس‌نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید."

آقای «عابدینی»! اگر «حضرت امام» زنده بودند و این برداشت نادرست و سخنان باطل شما را که از بیسوادی و وهابی‌گری شما سرچشمه گرفته را می‌دیدند چه می‌فرمودند و چه عکس‌العملی داشتند؟

آیا احتمال نمی‌دهید اگر «امام خمینی» در قید حیات بود، شاید حکم خلع لباس شما را صادر می‌کردند و در ازاء هر يك از حرف‌های باطل شما، شما را محکوم به تعزیر و شاید و شاید هم شبیه فتوای «سلمان رشدی» علیه شما صادر می‌کردند!؟

بعد نوشتم: آقای «عابدینی»! من شما را نصیحت دوستانه نه، برادرانه می‌کنم دست از این سخنان بی اساس ضد قرآن و سنت بردارید و به دامن قرآن و اهل‌بیت برگردید و بدون تحقیق و بررسی دقیق سخن نگوئید.

پیشنهاد می‌کنم قبل از آن که رسوایی شما جهانگیر شود و تمام راه‌های جبران مسدود شود کانال خود را تعطیل و حذف کنید که ادامه کار، جز نشر افکار باطل، ضد قرآن و ضد فرهنگ اهل‌بیت ندارد.

این را هم بدانید تحمل مسؤلین نظام مقدس جمهوری اسلامی هم حدی دارد که اگر به این سخنان باطل که مصداق اهانت به مقدسات شیعه و تشویش اذهان است ادامه دهید، شاید شبیه حکم فوق در حق شما صادر شود.

تا این جا نقل قول و يك سری جوابهای احساسی بود، حالا ما می‌خواهیم جواب اساسی و علمی بدهیم. ما شش تا پاسخ به ایشان دادیم. ببینیم امروز به چند تا از آن پاسخ‌ها می‌رسیم.

### پاسخ اول: همخوانی تفکرات شما با وهابیت.

شما از این که کسی به شما «وهابی» بگوید خیلی ناراحت می‌شوید؛ حتی در مناظره وقتی من گفتم «ابن تیمیه» هم قائل به شأن نزول آیات است، شما ناراحت شدید و داستان خیلی زشت و وقیح حمام و ... را که با جایگاه علمی شما و حضور اساتید در جلسه منافات داشت را ذکر کردید.

چه فرقی است میان این عقیده باطل شما که «یا محمد و یا علی ادرکنا» را شرك می‌دانید با عقیده وهابیت که می‌گویند یا علی و یا حسین گفتن شرك است.

من آدم «لجنة افتای عربستان سعودی» را آوردم. اجازه بدهید مطالبی از آن بخوانم. جلد دوم «فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه» فتوای رقم ۱۶۶۱ سوال کردند که در قسمت مراکز «عراق» و... جماعتی بر مذهب جعفریه هستند و این‌ها:

«یدعون علیاً، والحسن، والحسین، وسائر ساداتهم في الشدة والرخاء؟»

یا علی و یا حسن و یا حسین در گرفتاری‌ها و در غیر گرفتاری‌ها می‌گویند جواب چیست؟

جواب: «إذا كان الأمر كما ذكر السائل من أن الجماعة الذين لديه من الجعفرية يدعون عليا والحسن

والحسین وساداتهم فهم مشرکون مرتدون عن الإسلام»



این‌ها همه مشرک هستند و مرتد از اسلام هستند.

فتاوی اللجنة الدائمة - المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق

الدويش المجموعة الأولى، ج ٢، ص ٣٧٢ فتوى رقم ١٦٦١

ایشان آمده می‌گوید یا علی و یا حسین گفتن شرك است، جناب آقای «عابدینی» را هم که دیدیم می‌گوید در دعای «الهی عظم البلاء» مطالب شرك وارد شده است. چه فرقی است؟

شما می‌گویید یا محمد و یا علی ادرکنی شرك است؛ این آقا هم که می‌گوید «یدعون علیا والحسن والحسین» شرك است.

بعد این جمله بعدی را هنوز رویتان نشده که بفرمایید که "این‌ها مرتد از اسلام هستند" این که نوبت به این عبارت، کی می‌رسد خدا می‌داند. البته لازم نیست، وقتی که آمد گفت کلمات شرك آلود در این دعا هست و خواننده را مشرک می‌داند، حکم مشرک و حکم شرك در اسلام کاملا واضح و روشن است.

جالب این است که وهابی‌ها برای تأیید حرف خودشان از آیه‌ی:

(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)!

سوره عراف (٧): آیه ١٩٤

استفاده می‌کنند و ایشان هم به همین شکل، هیچ تفاوتی ندارد. شما ببینید این «آداب دعا قسمت شانزده» از کانال ایشان هم ما گرفتیم و تصویرش هم موجود است. «باز تخریبی دینی» نوشته است: "این همه تأکید برای خواندن خدا و این که در قرآن هیچ نبی و رسول و ولی، غیر خدا را نخوانده است."

این خودش يك افتراء بر قرآن است و انكار قرآن است كه خودش ارتداد آور است. می گوید: "هیچ نبی و ولی، غیر خدا را نخوانده است" پس آیه:

**قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ**

گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، كه ما خطاكار بودیم!»

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

چیست؟ یا آن کسی كه می آید از حضرت موسی طلب استغاثه می كند:

**فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ**

سوره قصص (۲۸): آیه ۱۵

این چیست؟ یا آیه شریفه:

**وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا**

و اگر این مخالفان، هنگامی كه به خود ستم می كردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می كردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می كرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

سوره نساء (۴): آیه ۶۴

**وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأَ رُءُوسُهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ**

هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند!»، سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می‌دهند؛ و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند!

سوره منافقون (۶۳) آیه ۵

اینها چیست؟ حداقل شما قرآن را درست بخوان، یک مرتبه قرآن را هم تا آخر مطالعه کن! بعد ایشان می‌گویند در قرآن با صراحت آمده:

(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنَّكُمْ صَادِقِينَ)

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانِ هم‌چون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)!

سوره عراف (۷): آیه ۱۹۴

کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، این‌ها هم بندگانِ مثل خودشان هستند، مثلاً یا علی و یا حسین این‌ها هم مثل خود شما هستند، فرقی با شماها ندارند. برای این‌که به ما بفهماند غیر خدا را نخوانیم! شما این را ببینید بعد ملاحظه کنید این جلد دوم «فتاوی اللجنة الدائمة» است. این‌جا می‌آید می‌گوید جماعتی از این مداح‌ها می‌گویند:

«مدد یا سیدنا الحسین، مدد یا سیده زینب... فإنه شرك أكبر يخرج قائله من ملة الإسلام»

فتاوی اللجنة الدائمة - المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق

الدويش المجموعة الأولى، ج ۲، ص ۲۸۰، فتوى رقم ۳۵۶۰

دلیل بر شرک شیعه چیست؟ این آیه است:

**(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنَّكُمْ صَادِقِينَ)**

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگان همانند خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)!

سوره عراف (۷): آیه ۱۹۴

فرقش چیست، چه تفاوتی کرد؟ این آقا آمده در لباس روحانی، چهار تا اجازه اجتهاد هم از بزرگان گرفته، نمی‌دانم چه فریبی داده و چه کارهایی کرده و چه کسانی رفتند شهادت دادند، عیناً همان حرفی را می‌زند که وهابی‌ها می‌زنند.

من نوشتم: ولله اگر این آقایان، یکی از مقالات شما را خوانده بودند، این قدر دین داشتند که بیایند به شما اجازه اجتهاد ندهند. شما اصلاً اجتهاد را نفهمیدید چیست؟ ایشان آمده عین عبارت وهابیت که می‌گوید:

**(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ)**

عین این عبارت را این آقا در کانال خودش آورده است. ببینید هیچ تفاوتی با وهابیت ندارد، دیگر نمی‌دانم چه کار باید کرد؟

ما در آن جا گفتیم حاضریم مناظره برویم در هر جا باشد در «اصفهان» باشد در «نجف آباد» باشد، «قم» باشد یا «قزوین» باشد.

آقای «عابدینی» در یک مقاله‌ای نوشته که ایشان ما را به «قزوین» دعوت کرده؛ چون «قزوین» جای بد نامی است ایشان قصد بدی با ما داشته!! حالا نمی‌دانم قضیه‌اش چیست؟

ایشان ذهنش خراب است، هرکس را به «قزوین» دعوت کردند؛ یعنی نیت بدی دارند!؟ من نمی‌دانم! حالا ما در آن عالم «زر» یک گناهی کرده بودیم که در «قزوین» به دنیا آمدیم، ما بارها گفتیم ما اصالتاً آبا و اجدادی، اهل «سبزوار مشهد» هستیم.

ما همشهری آقا امام رضا (سلام الله علیه) هستیم، حالا جد ما در «قزوین» برای تبلیغ آمده و در آنجا ازدواج کرده و ماندگار شده و اراده الهی هم تعلق گرفته که ما در «قزوین» به دنیا آمده باشیم.  
در هر صورت...

ایشان اشکال دیگری نتوانسته برای ما بگیرد، و گفته آقای «قزوینی» ما را برای مناظره به «قزوین» دعوت کرده و قصد سوء به ما داشته است. نمی‌دانم چه بگویم!؟

من نوشته‌ام: ببینید چه فرقی است میان این حرف بی اساس و ضد قرآن شما، با حرف وهابیت؟

همچنین شما ببینید ایشان می‌گوید "میان ائمه قبل از مرگ‌شان و بعد از مرگ‌شان، هیچ تفاوتی ندارند" حال ببینید در «فتاوی اللجنة الدائمة» جلد سوم، وهابیت می‌گوید:

«من استغاث بالأولياء بعد موتهم أو في حال غيبتهم عنه فهو مشرك»

فتاوی اللجنة الدائمة - المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق

الدويش المجموعة الأولى، ج ١، ص ١٥٢، السؤال السادس من الفتوى رقم ٧٢٦٧

« بل دعائهم والاستغاثة بهم شرك أكبر يخرج عن ملة الإسلام»

خواستن از ایشان، و استغاثه به ایشان شرک بزرگی است و انسان را از ملت اسلام خارج می‌کند.

فتاوی اللجنة الدائمة - المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق

الدويش المجموعة الأولى، ج ١، ص ٤٢٦، ذيل فتوى رقم (٦١٥٤)

ببینید تمام حرف‌هایی که ایشان دارد می‌زند، کپی از حرف وهابیت است. این يك جواب.

عزیزان دقت کنند من تلاش می‌کنم اگر حالم مساعد باشد، امروز این مقاله را تکمیل کنم و در سایت بگذارم و دوستان از سایت بردارند و منتشر کنند.

مخصوصاً از دوستان عزیزی که مربوط به «اصفهان» و «نجف آباد» هستند. به نظر من اگر همین را بردارند در آن جا چاپ کنند و منتشر کنند بسیار خوب است. هزینه چاپش را هم بنده تقدیم می‌کنم.

### پاسخ دوم: مخالفت تفکر شما با نظرات مراجع عظام

من نوشتم: آقای «عابدینی» شما می‌نویسید "یا محمد و یا علی با بقیه دعا ناسازگار است، یا محمد و یا علی، شرك آلود است، از سوی نادان و یا مغرضان جعل شده، با عقاید شیعه نمی‌سازد"

ولی مراجع بزرگواری همانند آیات عظام: «خوئی»، «شیخ جواد تبریزی»، «سیستانی» و دیگران، یا محمد و یا علی را از باب توسل به اهل بیت و آنان را وسیله‌ای به سوی خداوند متعال می‌دانند و به آیه شریفه ۶۴ نساء و ۳۵ سوره مائده هم استناد می‌کنند.

اجازه بدهید من عین کتاب آیت الله العظمی «آشیخ جواد تبریزی» را در «فی المسائل العقائديه / الشیخ جواد التبریزی» برایتان بخوانم.

«ما هو رأيكم الشريف بدعاء الفرج المبارك الذي فيه العبارة القائلة: «يا محمد يا علي يا محمد

اكفياني فإنكما كافيان .. » ؟

ایشان جواب داده:

«لا بأس بذلك لأنه من باب التوسل بأهل البيت ( عليهم السلام ) وهم الوسيلة إلى الله تعالى، والله

العالم»

الأنوار الإلهية في المسائل العقائدية؛ نویسنده: الميرزا جواد تبریزی، المتوفى ١٤٢٧، الناشر: دار الصديقة الشهيدة

عليها السلام، ص ٩٩

شما داری می‌گویی شرک است؛ ایشان می‌گویند «من باب توسل باهل بیت» است. از آن طرف «آیت‌الله العظمی خوئی» و همچنین آیت‌الله العظمی آشیخ «جواد تبریزی» در کتاب «صراط النجاة» که آقای «خوئی» نوشته و آشیخ «جواد تبریزی» هم به آن تعلیقه زده است؛ می‌نویسد:

«ما حکم قول: أدركنا يا علي، و يا أبا الغيث أغثنا و غير ذلك؟ الخوئي: قول القائل: أدركنا يا علي لا مانع منه وهو يقصد التوسل به إلى الله»

وقتی می‌گویند «ادركنی یا علی» یا علی به دادم برس، این توسل به خدا دارد؛

«وهل هناك مانع من قول الغريق أو الحريق ومن إليهما حين يستغيث بمن ينقذه فيقول: يا فلان أنقذني؟!»

کسی در حال غرق شدن است می‌گوید فلانی من را نجات بده آیا شرک است؟

بعد ایشان می‌گویند:

«وهناك آية في القرآن الكريم تؤيد ذلك»

این مهم است در آیه قرآن است که این را تأیید می‌کند:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند)، به نزد تو می‌آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می‌کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.

سوره نساء (۴): آیه ۶۴

این فرمایش آقای «خوئی» است آقای «تبریزی» هم اضافه کرده:

«یضاف إلى جوابه ( قدس سره ) ویزاد علی ذلك قوله تعالی: (وَائْتَعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

صراط النجاة ( تعلیق المیرزا التبریزی ) - السید الخوئی - ج ۳ ص ۳۱۸

باز از آقای «خوئی» (رضوان الله تعالی علیه) سوال کردند:

«هل يجوز طلب الولد أو الرزق أو الحفظ والأمان إلخ . . . من المعصومین علیهم السلام مباشرة»

یعنی اینکه من بگویم یا علی، به من فرزند بده، یا علی روزی‌ام را زیاد کن، یا امام زمان من را حفظ کن، یا امام

حسین به من امان بده. مباشرتاً بخواهیم و نگوییم از خدا بخواه، آیا این شرک است!؟

عزیزان خوب دقت کنند. نیت طرف هم این است که این‌ها «خالق» یا «رازق» نیستند این‌ها وسیله‌ای به خدا

هستند. هر کس می‌آید اهل بیت را صدا می‌کند این‌ها را مظهر اتم اسماء و صفات خدا می‌داند. آقای «خوئی»

جواب داده:

«لا بأس بذلك القصد»

هیچ اشکالی ندارد.

صراط النجاة ( تعلیق المیرزا التبریزی ) - السید الخوئی - ج ۱ ص ۴۶۶، سؤال ۱۳۰۶



آقای «تبریزی» هم اولش دارد: اگر من در یک جا حاشیه نزد، نظر من هم عین نظر استاد آیت‌الله العظمی «خوئی» است و ایشان به دو تا آیه استدلال کرده:

**(وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)**

و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید!

سوره مائده (۵) آیه ۳۵

و:

**(يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ)**

خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند

سوره اسراء (۱۷): آیه ۵۷

این نظر مراجع ما است و این هم نظر این آقای عابدینی است! باز در ادامه آقای «خوئی» و آشیخ «جواد تبریزی» دنباله همان دارند که:

«لا بأس بتوسيطهم والاستشفاع بهم إلى الله تعالى كوسيلة في قضائه هو حوائج المتوسلين»

هیچ اشکالی ندارد ما ائمه را واسطه قرار بدهیم و از این‌ها طلب کنیم که پیش خدا برای ما شفاعت کنند. مثل وسیله‌ای در قضای حوائج دیگران.

صراط النجاة (تعليق الميرزا التبريزي) - السيد الخوئي - ج ۱ ص ۴۶۸، سؤال ۱۳۱۳

این آقا می‌گوید عوام، خدا را یک شاهی می‌دانند، ائمه (علیهم السلام) را کارگزارانش که حوائج مردم را دسته‌بندی می‌کنند و به خدا عرضه می‌کنند!! و این فرمایش آقای «خوئی» است که می‌گوید هیچ اشکالی ندارد که ما این‌ها را واسطه قرار بدهیم و از این‌ها طلب شفاعت کنیم و خدای عالم هم جوابشان می‌دهد زیرا:

«لأنه تعالى رغب في التوسل بقوله تعالى وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»

مردم را برای توسل به اهل بیت تشویق کرده

صراط النجاة ( تعليق الميرزا التبريزي ) - السيد الخوئي - ج ۱ ص ۴۶۸، سؤال ۱۳۱۳

البته نظرم رفت که اصل سؤال را بخوانم، من عذر می‌خواهم. عزیزان دقت بکنند سوال کردند:

«المتعارف حال النهوض أو القيام أو حال أي عمل الاستنجاد بالنبي صلى الله عليه وآله وسلم أو الإمام

علي أو أحد الأئمة عليهم السلام»

بعضی از مردم می‌خواهند بلند بشوند یا علی می‌گویند، می‌خواهند راه بروند یا علی می‌گویند،

می‌خواهند کاری انجام بدهند یا علی می‌گویند، این اشکالی دارد؟

ایشان در این جا جواب دادند بر این‌که:

«لا بأس بتوسيطهم والاستشفاع بهم إلى الله تعالى كوسيلة في قضائه هو حوائج المتوسلين»

صراط النجاة ( تعليق الميرزا التبريزي ) - السيد الخوئي - ج ۱ ص ۴۶۸، سؤال ۱۳۱۳

به قول معرف می‌گویند یک دزدی به خانه یک مداحی رفته بود، تمام هست و نیست خانه مداح را جمع کرده

بود و بسته بود، سنگین بود مدام یا علی می‌گفت و نمی‌توانست بلند کند.

مداح بدبخت و بیچاره هم از ترسش جرأت نمی‌کرد با دزد درگیر بشود برگشت گفت: بابا من یک عمری یا حسین گفتم این‌ها را جمع کردم، شما می‌خواهی با یک یا علی گفتن این‌ها را ببری؟! شما می‌بینید که دزدهای ما هم این‌طوری هستند!!

این هم که مراجع ما هستند. ما دنبال چه کسی هستیم؟ این که اسم سایت‌شان را «باز اندیشی» می‌گذارند این باز اندیشی نیست بلکه تخریب اندیشی عقائد شیعه است!

آیا شما بهتر می‌فهمید یا مراجع ما بهتر می‌فهمند؟ ما نرفتیم از «شیخ صدوق» و «شیخ طوسی» و «سید مرتضی» و ... بیاوریم، بلکه از مراجعی که همه مردم آن‌ها را می‌شناسند و الان هم میلیون‌ها مقلد در سراسر جهان دارند، آوردیم.

آن از فرمایشات آقای «خوئی» و آشیخ «جواد تبریزی» بود. این‌جا هم از آقای «سیستانی» سوال کردند:

«فأسأل عن جواز طلب الرزق أو الولد أو الحفاظ أو الشفاء من المعصومين مباشرة»

کسی بیاید مباشرتاً از ائمه و معصومین روزی طلب کند و بگوید: یا امام حسین به من روزی بده! یا امام حسین به من خانه بده، امام حسین به من بچه بده! امام حسین من را حفظ کن امام زمان به من شفا بده، آیا این اشکالی دارد یا اشکالی ندارد؟ ایشان برگشت گفت:

«کلا بل لأنهم الوسيلة إلى الله سبحانه وتعالى»

هرگز اشکالی ندارد. این‌ها وسیله و واسطه بین ما و بین خدای عالم هستند.

«لأنهم لا يفعلون شيئاً إلا بإذنه جل وعلا»

بعد ایشان در این جا می گوید:

« هذا جائز قال سبحانه وتعالى: ( وابتغوا إليه الوسيلة ) »

الفتاوى الميسرة - السيد السيستاني - ص ٤٢١

دیگر ما چه بگوییم؟ این نمونه‌ای بود از بیانات مراجع معظم تقلید و یک مسئله‌ای هم، مرحوم آقا «سید محسن امین» دارد که اجازه بدهید فقط از کتابش بخوانم و دیگر آن مطلب را نیاورم. کتاب «کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب».

تقریباً می‌شود گفت جزو اولین کتاب‌های ضد وهابی بود که توسط مرحوم «سید محسن امین» صاحب کتاب «اعیان الشیعه» نوشته شده است.

ایشان در این جا جواب می‌دهد. این جواب‌ها را دقت کنید. در برابر حرف‌های که «محمد ابن عبدالوهاب» زده که می‌گوید یا علی و یا حسین گفتن شرک است. ایشان می‌گوید:

«والجواب: إن الدعاء والاستغاثة بغير الله يكون على وجوه ثلاثة»

«استغاثه بغير الله» کسی استغاثه به غیر خدا کند، پیغمبر که (نستجیر بالله) خدا نیست قطعاً غیر خدا است، امیرالمؤمنین و امام حسین غیر الله هستند، خدا که نیستند.

« يكون على وجوه ثلاثة»

آن‌هایی که از ائمه حاجت می‌خواهند سه دسته هستند.

«الأول: أن يهتف باسمه مجردا مثل أن يقول يا محمد يا علي يا عبد القادر يا أولياء الله يا أهل البيت

ونحو ذلك.»

کاری ندارد فقط یا محمد بگوید و یا علی بگوید، این یک دسته.

«الثاني: أن يقول يا فلان كن شفيعي إلى الله في قضاء حاجتي أو ادع الله أن يقضيها أو ما شابه ذلك.»

دوم می‌گوید: یا رسول الله، یا علی، یا امام حسین شفیع من باش در نزد خدا حاجتم برآورده شود یا از خدا بخواه حاجتم را برآورده کند.

الثالث: أن يقول اقض ديني أو اشف مريضی أو انصرني على عدوي وغير ذلك.»

سوم بگوید: یا رسول الله، یا علی قرضم را ادا کن، مریضم را شفا بده، من را در برابر دشمن پیروز گردان و غیر این‌ها...

بعد می‌گوید:

«وليس في شيء من هذه الوجوه الثلاثة مانع ولا محذور»

شما می‌دانید که مرحوم «سید محسن امین» از فقهای بزرگ و از مبارزین خط مقدم مبارزه با وهابیت است، ایشان هم حرف‌شان این است. بعد می‌گوید:

«ولو فرض أننا جهلنا قصده لوجب حمله على ذلك»

که آقای «عابدینی» می‌گوید این‌های که یا علی و یا حسین می‌گویند هدف‌شان خدا است، ظاهراً ایشان علم غیب دارد، یا شیاطین بر او وحی می‌کنند.

آقای «سید محسن امین» می‌گوید ما قصد این‌ها را نمی‌دانیم چیست، واجب است کلمات این‌ها را حمل کنیم بر این سه صورتی که گفتیم اشکالی ندارد، نه بیاییم بگوییم وقتی یا علی می‌گوید مرادش خدا است. یا حسین می‌گوید مراد از امام حسین، خدا است.

«سواء صدر من عارف أو عامي»

چرا ما باید حمل صحت کنیم؟

«لوجوب حمل أفعال المسلمين وأقوالهم على الصحة مهما أمكن»

مادامی که امکان پذیر است باید افعال مسلمین را حمل بر صحت کنیم!

«حتى يعلم الفساد»

بله یک دفعه یک کسی، مثل بعضی از افراد زمان ائمه (علیهم السلام) نسبت به ائمه ادعای الوهیت و نبوت می کردند، آن‌ها مرتد، کافر و واجب القتل هستند در آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

«وعدم جواز تكفير المقر بالشهادتين»

و ما نمی‌توانیم کسی که «مقرّ بالشهادتين» است تکفیر کنیم.

كشف الارتباب في أتباع محمد بن عبد الوهاب - السيد محسن الأمين - ص ۲۳۴

این در حقیقت دو تا جوابی بود که ما به این آقا دادیم و گفتیم آقایان بیایند عبارتهای این آقا را دوباره مرور بکنند و اشکال‌های قسمت آداب دعا، قسمت دوم را ببینید که این آقا چه حرف‌های دارد.

بعد می‌آورد می‌گوید: مشکل این است که ما «ایرانیان»، «عربی» بلد نیستیم. آقای «عابدینی» شما بزرگواری کنید به جای این‌که کانالی درست کنید عقائد شیعه را این‌طور تار و مار کنید و افتراء شرک و کفر به مسلمان‌ها ببندید، یک کلاس «عربی» راه بیان‌دازید، ثبت نام کنید که مردم «ایران» بیایند و در محضر شما «عربی» یاد بگیرند.

حالا فرض بفرمایید چهار تا عوام «عربی» بلد نیستند، آیا آقای «سیستانی» هم «عربی» بلد نیست؟ آشیخ «جواد تبریزی» «عربی» بلد نیست؟ «سید محسن امین» که اصالتاً عرب است «عربی» بلد نیست؟ مراجع ما «عربی» بلد نیستند؟

ما نمی‌دانیم ایشان چطور است؟ شاید پول‌های کلانی از ناحیه وهابیت و ناحیه بعضی از مغرضین و کسانی که فساد سیاسی و ... دارند می‌خواهند ایشان را در برابر دیگران عَلم کنند پول‌های کلانی در اختیار ایشان قرار دادند، ما نمی‌دانیم و نمی‌گوییم.

یا این که ایشان رفیق‌های نابابی دارد و آن‌ها دارند ایشان را تحریک می‌کنند، یا بعضی از اساتید نابابی داشته که افکار باطل را در ذهن ایشان آورده؛ ما نمی‌دانیم قضیه چه است؟

یا شاید لقمه‌های حرامی خورده و نتیجه لقمه‌های حرام، این چنین حرف‌های نادرست نسبت به شیعه است. یا یک گناهی کرده، نتیجه همان آیه شریفه‌ای که حضرت زینب در برابر «یزید» خواند:

**ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاغُوا الشُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ**

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند!

سوره روم (۳۰): آیه ۱۰

یا این که خدای نکرده، خدای نکرده، (نستجیر بالله) لقمه حرامی است که پدرش در اختیارش قرار داده، یا شیر ناپاکی است که خورده؛ ما این‌ها را نمی‌گوییم؛ ولی بعضی‌ها دارند نسبت به ایشان در فضای مجازی این‌ها را می‌گویند. وقتی شما این‌طور حرف‌ها را مطرح می‌کنید دیگران هم حرف‌های نسبت به شما می‌گویند.

از شش تا پاسخ دو تا را ما امروز عرض کردیم چهار تا پاسخ دیگری هم است که ان شاء الله اینها را در جلسه بعد مطرح می‌کنیم.

### پرسش:

نظرتان درباره مفاتیح نوین چیست؟

### پاسخ:

غیر از «مفاتیح الجنان آشیخ عباس قمی» دیگر مفاتیح‌ها به من حال نمی‌دهد، شاید مشکل مال من است.

من با پسر ایشان آقای «مصباح‌زاده» در یک سفر حج باهم، هم اتاق بودیم که ایشان چند سال قبل مرحوم شدند و آخرین فرزند صاحب مفاتیح بود.

از ایشان سوال کردم این همه کتاب دعا نوشته شده، «شیخ طوسی» «مصباح‌المتهدج» را نوشت، «کفعمی» کتاب «بلد الامین» را نوشت و دیگران و دیگران ولی هیچ کتاب دعائی مثل «مفاتیح الجنان» جهانگیر نشده است. ما حتی خارج هم می‌رویم در بعضی از خانه‌ها قرآن نیست ولی «مفاتیح» است.

گفت پدرم از همان اولین کلمه‌ای که برای مفاتیح شروع کرد ثواب کسانی که مفاتیح می‌خوانند به روح پاک حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) هدیه کرد. شاید علت فراگیر شدن مفاتیح این باشد.

بزرگواران و مراجع دیگر هم کتاب دعا نوشتند ولی این کتاب‌ها یک دفعه چاپ خورده و به چاپ دوم و سوم نرسیده؛ اضافه بر آن حدیث «من بلغ»، به تعبیر حضرت «امام» از احادیث قطعیه متواتره است.

تسامح در ادله سنن را ما همه جا قبول کردیم. این را ائمه فرموده باشند یا نفرموده باشند، فرمود اگر کسی

دعایی را بخواند به این نیت که ما گفته‌ایم خدای عالم آن ثوابی که در آنجا نوشته شده به او می‌دهد؛ «وان لم

اقله» اگر چه من پیغمبر نگفته باشم.



## پرسش:

اگر قرار باشد یا محمد، یا علی و هر نوع توسل به ائمه معصومین شرک باشد، باید گفت تمام بشر مشرک هستند؛ چون همه از همدیگر کمک می‌گیرند.

## پاسخ:

این همان عبارتی است که آقای «ابن حجر مکی» در رد وهابیت آورده است. ایشان دو تا کتاب در رد وهابیت دارد. اگر حافظه‌ام یاری کند یکی «فتنة الوهابیه» است. یکی هم کتاب «الجواهر المنظم» یک کتاب خیلی خوبی است. تقریباً مطالب فقهی خیلی خوبی هم دارد، این کتاب تألیف «ابن حجر هیثمی» است.

کتاب «فتنة الوهابیه» ایشان که خیلی در این کتاب غوغا کرده و به زیبایی مطرح کرده کتاب کوچکی هم است. ایشان دو تا کتاب علیه وهابیت نوشته و در این دو تا کتابش نوشته که اگر چنانچه عقیده وهابیت صحیح باشد تمام مسلمان‌ها مشرک هستند، تمام مردم روی زمین مشرک هستند؛ چون از همدیگر کمک می‌خواهند، حتی همین وهابی‌ها به خانمش بگویند به من آب بده، آیا این «من غیر الله استعین» است یا نه؟ به فرزندش می‌گویند خودکار را به من بده، آیا این استعانت از غیر الله است یا نه؟

جناب آقای «ابن حجر هیثمی» یا «مکی» متوفای ۹۷۴ در کتاب‌های مختلفش دارد. من دو تا گفتم، ایشان سه چهار تا کتاب علیه وهابیت دارد. ایشان در آنجا کاملاً این بحث را مطرح کردند. ایشان آدم ملأی است البته از نظر قدرت علمی به «ابن حجر عسقلانی» نمی‌رسد.

من در ماه رمضان یک پیامی برای آقای عابدینی فرستادم و گفتم به کوری چشم کسانی که «الهی عظم البلاء» را شرک می‌دانند، الحمدلله تمام رسانه‌های ما و کانال‌های تلویزیون یک، دو، سه، چهار و پنج... همه کانال‌ها بعد

از افطار دعای «الهی عظم البلاء» را می‌خوانند و تمام مؤمنین، مؤمنات، مسلمانها، علماء، مراجع هم، هم صدا با صدا و سیما، دعای «الهی عظم البلاء» را می‌خوانند.

**پرسش:**

آیا خواندن «الهی عظم البلاء» در نماز، از نماز محسوب می‌شود؟

**پاسخ:**

در سر درس، بعضی از آقایان بزرگواران اشکال کردند و گفتند که در قنوت نماز و ... «یا محمدُ یا علی» در نماز نگوید. بنده عرض کردم نظر بنده مخالف است.

دلیل هم برای این دارم. «السلامُ علیک ایها النبی»؛ یعنی السلام علیک یا رسول الله. اگر خطاب به غیر خدا در نماز مبطل باشد، «السلامُ علیک یا رسول الله» باید مبطل باشد. در سجده سهو می‌خوانیم:

«بسم الله وبالله السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته»

هر کس مقلد هر مرجعی است نظر آن مرجع برای‌شان محترم است. اتفاقاً من آخرین جوابی که دادم، جواب ظاهراً ششم باشد، آمدم تمام مصادر «الهی عظم البلاء» را آوردم. از مرحوم «سید ابن طاوس»، «شیخ مفید»، «شیخ طوسی» و دیگر بزرگان که این‌ها می‌گویند در قنوت نماز وثر، «یا محمدُ یا علی، یا علی یا محمد» بگوید.

در قنوت نماز وُتیره برای نافله نماز عشاء، «یا محمدُ یا علی» بگویید، در نماز حاجت «یا محمدُ یا علی» بگویید. بعد از نماز حضرت ولیعصر، توسل به حضرت ولیعصر «یا محمدُ یا علی» بگویید.

من چندین روایت ان شاء الله برای شما می‌خوانم. حداقلش این روایات مستفیض است که صدا کردن ائمه در قنوت نماز اشکالی ندارد.

ولی عرض کردم نظر مراجع بزرگوار برای ما محترم است، روی چشم ما جا دارد و هر کس مقلد هر مرجعی است باید طبق فتوای مرجع خودشان عمل کند.

**پرسش:**

از آیت‌الله «شبیری» سوال کردند، فرمودند اشکالی ندارد.

**پاسخ:**

البته بنده ندیدم. اگر دوستان بزرگوارى کنند فرمایشات «آیت‌الله شبیری» را برای ما ارسال بکنند از ایشان ممنون می‌شویم، خود آقای «شبیری» هم فرمودند اشکال ندارد. البته بنده خودم معتقد هستم و خیلی رک بگویم «آیت‌الله شبیری» را از بسیاری از مراجع اعلم می‌دانم.

من ۱۴ سال پای درس ایشان بودم و درس دیگر مراجع را هم من دیدم، نظر من برای خود من محترم است و من دیگران را کار ندارم. ولی حداقل این است که این مراجع با همدیگر هم سطح هستند.

طبق فتوای همه مراجع، اگر مراجع یک زمان هم سطح بودند آدم می‌تواند قسمتی از احکام را به فتوای این مرجع، قسمتی به فتوای آن مرجع عمل کند.

یک روزی ما در خدمت حاج آقای «شبیری» در ماشین بودیم و به طرف منزل ایشان می‌رفتیم و خود من راننده بودم، ایشان گفت آن مجتهدی اعلم است که شهریه زیاد بدهد و نماز خواندن و ... را خیلی آسان بگیرد. اگر یک مجتهدی بگوید نماز واجب نیست، دیگر اعلم العلماء است و هیچ شک و شبهه‌ی در آن نیست.

ولی الان، آقایان یک مقداری راحت طلب هستند. می‌توانند فرض بفرمایند ده تا مسئله به فتوای آیت‌الله العظمی «سیستانی» عمل کنند، ده تا مسئله به فتوای آیت‌الله العظمی «وحید خراسانی» عمل کنند، ده تا فتوا به فتوای

آیت‌الله العظمی «صافی» عمل کنند و همین‌طور ده تا مسئله را به فتوای آیت‌الله العظمی «شبیری زنجانی» عمل کنند می‌تواند به این شکل باشد.

البته اگر نظر آقایان هم این باشد که این مراجع بزرگوار از نظر علم در یک سطح هستند؛ ولی اگر برای کسی ثابت بشود که یک مرجع، اعلم است نمی‌تواند به فتوای غیر اعلم عمل کند، الا این‌که یک کسی اهل احتیاط باشد آن دیگر «یا محمدا یا رسول الله» است باید سخت‌ترین اعمال را انجام بدهد.

ما دفعه اولی که به «مکه» مشرف می‌شدیم، رفتیم از آیت‌الله «شبیری زنجانی» خداحافظی کنیم، ایشان به من امر کردند فلانی دارید به «مکه» می‌روید، نگویید نظر من یا فلان مرجع این است؛ «احوط الاقوال» را در «مکه» شما انجام بدهید.

ما هم گفتیم سمعاً و طاعتاً. ما از بای بسم الله که احرام بستیم، احوط الاقوال تمام مراجع زنده را تا آخرین روزی که از «مکه» بیرون آمدیم عمل کردیم الحمد لله. حالا قبول کردنش مانده به خدای عالم دیگر ما نمی‌دانیم.

با توجه به این‌که دوستان غالباً اظهار کردند که فردا هم تشریف دارند، ما ان شاء الله فردا به حول و قوه الهی در خدمت عزیزان هستیم و الباقی بحثی را که امروز شروع کرده بودیم دو تا جواب را امروز گفتیم، چهار تا جواب دیگر را هم فردا عرض می‌کنیم.

گرچه ممکن است يك روزه تمام نشود، اصلاً خود روایاتی که ما جمع کردیم به گمانم بالای چهل روایت هست که من جمع کردم از علمای بزرگ در رابطه با «الهی عظم البلاء»، «یا محمد یا علی»، «یا محمد یا جبرئیل» از کتاب «کافی»، «تهذیب شیخ طوسی»، «من لایحضر الفقیه»، «وسائل»، «مستدرک»؛ کتاب‌های «سید مرتضی» و ... همه این‌ها را من ماه رمضان که فرصتی بود جمع کردم.

درست است که کرونا یک بلای بزرگی بود ولی نعمت بزرگی هم بود. در روایت ما داریم:

«يا من أخفى نعمه في بلائه»

بعضی از نعمت‌ها را خدای عالم در درون بلاهایش مخفی کرده، این‌که ما خانه نشین شدیم یک سری کارهای این‌طوری ما در ماه رمضان کردیم که ان شاء الله در خدمت عزیزان هستیم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»